



کتاب حبقوق نبی

Habakkuk

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

May 20, 2008

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



معرفی

«حقوق کسی نبود که فقط نگران خود و خانواده خود باشد. او به عنوان یک شخص میهن پرست شدیداً نگران شرایط روحانی نامطلوب جامعه خود بود. او قوم خود را دوست داشت و می‌دانست با ادامه دادن به نقض شریعت خدا قدم به قدم به پرتگاه نابودی نزدیک می‌شوند. بنابراین دو درخواست نومیدانه بر لبانش جاری شد: چقدر و چرا؟»

— ریچارد دی هان (Richard De Haan)

۱. جایگاه منحصر به فرد رساله حقوق در کانون

آیه چهارم از فصل دوم کتاب حقوق چهار بار در عهد جدید نقل قول شده است: در اعمال رسولان ۱:۴۰ و ۴۱، پولس رسول موعظه خود را در معبد انطاکیه پیسیرییه با نقل قول آیه پنجم از فصل اول کتاب حقوق پایان داده است. و این نشان دهنده این مهم است که کتاب به ظاهر نامفهوم و کوتاه حقوق در عهد عتیق می‌تواند حاوی فرضیه‌ای غنی باشد. همچنین آیات ۱۷ و ۱۸ فصل سوم کتاب حقوق را با آیات ۴ و ۱۰ تا ۱۹ فصل چهارم رساله به فیلیپیان مقایسه نمائید. هم حقوق نبی و هم پولس رسول توانستند فارغ از شرایط زندگی خود، در خدای خود شادی نمایند.

در مورد سبک نگارش این رساله استاد زبان عبری مسیحی چارلز فین برگ (Charles Feinberg) چنین نوشته است:

همه کس جایگاه والای این رساله را در میان نبوت‌های عبری تأیید می‌کند. فصل شاعرانه سوم رساله حقوق به عنوان باشکوه‌ترین چکامه عبری قابل ستایش همگان است. زبان کتاب فوق‌العاده زیباست.

۲. نویسنده

ما حقیقتاً چیزی از این نبی نمی‌دانیم. معنی نام حقوق ممکن است «بغل کردن» و یا «گشتی گرفتن» باشد. اگر چه حقوق فروتنی کرده و خود را نبی ننامیده است، اما پاره‌ای از استادان معتقدند که او نه تنها دارای عطای نبوت بوده، بلکه جایگاه خاص هم برای نبوت داشته است (به عنوان مثال دانیال به نبوت دعوت شده، اما حقوق دارای عطای نبوت بوده است). از آنجا که حقوق در فصل سوم کتابش به آلات موسیقی اشاره کرده است، حدس زده می‌شود که ممکن است او در گروه همسرایان معبد بوده است، هر چند که این خود یک فرض محض است.

۳. تاریخ

از آنجا که حقوق نام پادشاهی را ذکر نکرده است، تخمین تاریخ نبوت کوچک او مشکل است. احتمال می‌رود تاریخ نگارش این رساله سال ۶۰۰ پیش از میلاد باشد، هر چند که البته برخی از منتقدین عقل‌گرا آن را متناسب به قدیم‌تر می‌دانند. اساتید محافظه کار عموماً تاریخ آن را در محدوده حکومت منسی یوشیا یا یهویا قیم که همگی در قرن هفتم قبل از میلاد سلطنت می‌کرده‌اند، می‌دانند. شاید دوران سلطنت یهویا‌قیم بهترین فرض در تاریخ نگارش این رساله باشد که نزدیک به تاریخ نبرد شارلمانی (۶۰۵ قبل از میلاد) است که در این جنگ بابلیان پیروز شدند.

۴. پیشینه و زمینه

تجدید دینی در دوران حکومت یوشیا دیری نپایید. اخلاقیات عمومی بار دیگر تحت تأثیر هرزه‌گی بعل و فرقه اشتاروت قرار گرفت و بسیار پائین رفت. بی‌انصافی فراگیر بود. این شرایط اسفناک بود که حقوق با آن روبرو بود.

این نبی قبل از اسارت بابل (۵۸۶ پیش از میلاد) با مردم یهودا صحبت کرد. از آنجا که معنی نام او احتمالاً «گشتی گیر» بود، تقلائی او با یهو در مورد گناه و مجازات مردم یهودیه، متناسب با نام اوست. باتوجه به معنی ترجیحی دیگر نام او، فین برگ به نقل از مارتین لوتر (Martin Luther) چنین گفته است.

کلمهٔ حقوق یعنی در آغوش گیرنده یا کسی که دیگری را بغل می‌کند، و بازوان او را می‌گیرد. او مردم خود را در آغوش می‌گیرد و آنها را در میان بازوانش جمع می‌کند، یعنی آنها را تسلی می‌دهد و سرپا نگه می‌دارد، مانند کسی که کودک گریانی را در آغوش می‌کشد تا او را با این اطمینان که اگر اراده خدا باشد، همه چیز به زودی بهتر خواهد شد، آرام می‌کند.

گزارش

۱. نبی مبهوت مانده است که چرا خدا شرارت‌های یهودا را مجازات نمی‌کند (۱:۱-۴)
 ۲. خداوند به او پاسخ می‌دهد که بابلیان را برای تنبیه یهودا خواهد فرستاد (۱:۵-۱۱)
 ۳. تعجب حقوق از اینکه خدا از قوم شریرتری برای تنبیه یهودا استفاده می‌کند (۱:۱۲-۱۷)
 ۴. پاسخ خدا اینست که عادلان یهودا زنده می‌مانند، اما کلدانیان بی‌انصاف نابود خواهند شد (فصل دوم).
- الف. حقوق در انتظار پاسخ خدا (۲:۱)
- ب. تقاضای خدا از حقوق برای ثبت پاسخ و در انتظار ماندن برای تحقق آن (۲:۲ و ۳)
- ج. عادلان به ایمان خود زیست خواهند نمود، ولی کلدانیان شریر نابود خواهند شد (۲:۴)

د. فهرست گناهان کلدانیان (۲: ۱۹-۵)

ه. آرامش و سکوت قبل از طوفان داوری خدا (۲: ۲۰)

۵. دعای حبقوق و توکل او (فصل سوم)

الف. درخواست حبقوق از خداوند برای دست به کار شدن (۳: ۱ و ۲)

ب. یادآوری رحمت خدا به قوم در انتقالشان از مصر به کنعان (۳: ۳-۱۵)

ج. انتظار برای مجازات دشمنان (۳: ۱۶)

د. مهم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد. حبقوق به خداوند و قدرت او متوکل است (۳: ۱۷-۱۹)

تفسیر

۱. نبی مبهوت مانده است که چرا خدا شرارت‌های یهودا را مجازات نمی‌کند

(۱: ۱-۴)

الهامی که حبقوق نبی آن را دید، احتمالاً عنوانی است برای این کتاب. در آیات ۲-۴ حبقوق از ظلم و بی‌انصافی و منازعه و بی‌عدالتی در میان بنی اسرائیل گلایه می‌کند. او از خداوند می‌پرسد تا به کی این نابسامانی‌ها بدون مجازات ادامه دارد. بخاطر همین سوال و سوالات مشابه دیگر از خدا، حبقوق را «تومای شکاک» عهد عتیق نامیده‌اند.

یازده آیه اول فصل اول شامل گفتگوی بین حبقوق و خداوند است.

۲. خداوند به حبقوق پاسخ می‌دهد که بابلیان را برای تنبیه یهودا خواهد فرستاد

(۱: ۵-۱۱)

پاسخ خدا به حبقوق در آیات ۵-۱۱ آمده است. خدا ارتش کلدانیان، آن قوم تلخ و تندخو و آزمند و ظالم و مهیب و مغرور را بر می‌انگیزد تا یهودا را تنبیه نمایند. بابلیان بخاطر ارتش سواره نظام خود و سرعت در تسخیر دژها زبانزد بودند و وحشی‌گری‌هایشان همانند گرگان شب تیزرو بود. آنان پادشاهان و سروران اسیر شده را مسخره می‌کردند و قدرت آنها چون خدای آنها بود.

فین برگ (Feinberg) تفسیری بر این بخش نوشته است:

موفقیت‌های کلدانیان چند برابر خواهد شد، خدا تمام قوم‌های نافرمان در گستره پهناور زمین را در معرض حمله آنها قرار خواهد داد. بدین ترتیب فاتحان کلدانی با حس برتری جوئی و جاه طلبی و تحت انقیاد درآوردن انبوه مردم بی‌پناه، در خدمت اهداف خدا خواهند بود.

۳. تعجب حبقوق از اینکه خدا از قوم شریرتری برای تنبیه یهودا استفاده می‌کند

(۱: ۱۲-۱۷)

وقتی حبقوق از تصمیم خدا آگاه می‌شود، به وحشت می‌افتد و آشفتگی او مرحله دوم صحبت او با خدا را موجب می‌شود (۱۲:۱ الی ۲۰:۲). چگونه خدا می‌تواند یهودا را توسط قومی تنبیه نماید که خیلی شریر از آنان می‌باشند؟ او باتوجه به شناختی که از خدا دارد و اینکه چشمان خدا پاک‌تر از آنست که به بدی بنگرد و به بی‌انصافی نظر نمی‌تواند کرد و اینکه بابلیان بدون شک از اسرائیلیان شریرتر می‌باشند، بحث خود را با خدا شروع می‌کند. به هر حال گناه یهودا بزرگتر بود چونکه یهودیان بر علیه خدا گناه ورزیده بودند. چگونه خدا می‌توانست به شرارت بابلیان بنگرد، وقتی که می‌دید مردمان را به قلاب بر می‌کشند و به دام خود می‌گیرند؟ آنها قربانی برای بت‌های خود می‌گذرانیدند و فربه می‌شدند. آیا پایانی برای این کشتار ام‌ها خواهد بود؟ جی. ای. ایوانس (Evans) چنین می‌نویسد:

این تصویری است از زندگی یک ماهی‌گیر. انسانها مانند ماهیانی بودند که ماهی‌گیر در تور خود جمع می‌کرد و سپس خدا را (بت خود را) برای غنای تور خود شکر می‌کرد. در این تشبیه دنیا به منزله دریا و ام‌ها به منزله ماهی‌ها می‌باشند و نبود نصر ماهی‌گیر است و تور او قدرت ارتش اوست که بدان وسیله توانست ثروت عظیمی از طریق فتح ممالک به دست آورد.

۴. پاسخ خدا اینست که عادلان یهودا زنده می‌مانند، اما کلدانیان بی‌انصاف نابود خواهند شد (فصل دوم)

الف. حبقوق در انتظار پاسخ خدا (۱:۲)

حبقوق در برج دیدبانی خود می‌ایستد تا ببیند خدا چه پاسخی به او می‌دهد. او تنهائی و انزوا را برمی‌گزیند تا حضور خدا را درک نماید. این مورد اصلی بسیار مهم برای ایماندارن امروز است. خواه، آن را «ساعت خلوت» خود بنامیم و یا «تخصیص» و یا به عبارت دیگر ارتباط روزانه با خدا، یک امر مهم برای هر شخص مسیحی است.

ب. تقاضای خدا از حبقوق برای ثبت پاسخ او و در انظار ماندن، برای تحقق آن (۲:۲ و ۲)

۲:۲ خداوند به نبی فرمان می‌دهد: «رویا را بنویس» (پاسخ او به درخواست حبقوق) و آن نوشته را چنان بر لوحه‌ها بنگارد که هرکس حتی اگر در حال دویدن باشد، بتواند آن را بخواند و رویای حبقوق سقوط بابل و احیای اسرائیل بود.

۳:۲ آنچنانکه پولوک (A.J. Pollock) می‌نویسد این آیه اشاره به امید یهودیان است - آمدن مسیحا به زمین برای مطیع ساختن دشمنان خود و بیرون راندن هرچه مخالف است از ملکوت خود و استقرار سلطنت پرشکوه خود. وقتی نقل قول آیه سوم را در عبرانیان ۳۷:۱۰ می‌خوانیم، «آن» (منظور رویا است) تبدیل به «او» می‌شود (یعنی خداوند) که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود. بخش مربوط به عهد جدید اشاره‌ای است به امید مسیحیان - و آن «ربایش» کلیسا است.

ج. عادلان به ایمان خود زیست خواهند نمود، ولی کلدانیان شریر نابود خواهند شد (۴:۲)

چونکه جان پادشاه بابل با تکبر انباشته شده بود، او خواهد مرد ولی باقیمانده‌گان امین و خداپرست اسرائیلی در ایمان خواهند زیست. آیه چهارم سه بار در عهد جدید نقل شده است. سه بخش از این آیه: «عادل - با ایمان - خواهد زیست»، با تأکید فراوان در رومیان ۱: ۱۷ با تأکید بر «عدالت»، غلاطیان ۳: ۱۱ با تأکید بر «ایمان» و عبرانیان ۱۰: ۳۸ با تأکید بر «زیستن»، نقل قول شده است. ترجمه ادبی آیه چهارم اینست که «عادل با ایمانش زیست خواهد کرد.» این بخش را می‌توان چنین نیز تفسیر نمود که: «شخص توجیه شده توسط ایمان، خواهد زیست.»

د. فهرست گناهان کلدانیان (۲: ۵-۱۹)

۱- اشتهای سیری ناپذیر برای فتح امت‌ها (۲: ۵-۸)

۲: ۵ نوشیدن شراب گناه عمومی بابلیان و بدون شک نیوکد نصر بود. کیل راجع به این اعتیاد می‌نویسد که: «نویسندگان باستانی این مورد را تأیید کرده‌اند و بخوبی از رساله دانیال فصل پنجم معلوم می‌شود که بابل وقتی تسخیر شد که بلشصر و سایر بزرگان حکومت او در یک مجلس مهمانی مشغول باده گساری بودند.» علاوه بر آن می‌شود از اشتهای سیری ناپذیر آنان برای غلبه بر کشورهای دیگر نام برد.

۲: ۶-۸ آیه ششم با یک سوال شروع می‌شود و شامل پنج «وای» برای بابلیان است. «وای» اول برای حریصان و متجاوزان است. مللی که توسط بابلیان تسخیر شده‌اند، بعدها آنها بخاطر این شهوت پایان ناپذیرشان و ظلم‌ها و غارت‌هایشان، استهزاء خواهند شد.

۲- حرص و تکبر (۲: ۹-۱۱)

«وای» دوم برای نیوکد نصر است بخاطر آزمندی و غرور او. او کوشید سلطنت خود را از بلاها ایمن سازد، ولی منافع و عایدات غیرمشروع و ظالمانه او، بر او فریاد بر خواهد آورد.

۳- ثروتمندی از طریق خون ریزی (۲: ۱۲-۱۴)

«وای» سوم بر شاه است بخاطر شهوت او برای کسب عظمت و روش خون ریزانه او. شهرهای بابل که با زحمت و مشقت بردگان ساخته شده بود درنهایت با آتش سیری ناپذیر بلعیده خواهند شد و زمین از معرفت خدا جلال خداوند مملو خواهد شد.

سرانجام روزی خواهد آمد که جهانیان یک خدای حقیقی را خواهند شناخت. این آینده پرشکوه در این تشبیه شاعرانه مشهور به تصویر کشیده شده است: «زیرا که جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد، به نحوی که آبها دریا را مستور می‌سازد.» (۲: ۱۴)

۴- فاسد کردن همسایگان (۲: ۱۵-۱۷)

«وای» چهارم بر نبوکد نصر است بخاطر لذت دد منشانه‌اش از فاسد نمودن دیگر ملت‌ها و بی‌شرمی‌اش و ویران نمودن اورشلیم و یهودیه. کوتاه کلام اینکه نبوکد نصر متهم بود به پیشبرد دو برنامه تلویزیون امروز: فیلم‌های شرم‌آور سینمایی، شامل انحرافات جنسی و ظلم بیش از حد.

۵- بت پرستی (۱۸:۲ و ۱۹)

«وای» پنجم و آخرین محکوم کننده پادشاه بخاطر بت پرستی بابلیان و پرستش و قربانی نمودن برای بت‌ها است. بت‌های ساخته شده از طلا و نقره چه فایده‌ای دارند، درحالی‌که گنگ و کور و کر می‌باشند.

ه. آرامش و سکوت قبل از طوفان داوری خدا (۲۰:۲)

ساختار زیبایی موسیقائی این آیه، مورد استفاده در بعضی از کلیساها می‌باشد و بدان وسیله مجمع را به تفکر و خاموشی در جلسات فرا می‌خوانند. متأسفانه این شروع زیبا، فرجام وحشتناکی دارد و آن اینست که خداوند بر آن بود قدرت داوری خود را نشان دهد. بدان دلیل تمامی جهان می‌بایست در حضور او خاموش باشند.

۵. دعای حبقوق و توکل او (فصل سوم)

الف. درخواست حبقوق از خداوند برای دست به کار شدن (۱:۳ و ۲)

اینک حبقوق در حضور خداوند، دعا می‌کند. او از برخورد خداوند با دشمنان مردمش، چیزهائی شنیده بود؛ اینک از خدا تقاضا می‌کند عمل خود را در میان امت‌ها، با تنبیه دشمنانش و نجات مردمش، زنده کند.

ب. یادآوری رحمت خدا به قوم در انتقالشان از مصر به کنعان (۳:۳-۱۵)

۳:۳-۷ در رویای پرشکوه قدرت خدا، حبقوق رژه دیگر باره خداوند را در مقابل دشمنانش و شکست آنها و پیروزی پر جلال خدا را به تصویر می‌کشد. حبقوق تصاویری گویا از متنبه شدن دشمنان اسرائیل، داوری مصر در دوران خروج، قوم‌هائی که اسرائیل را از رسیدن به سرزمین موعود باز داشتند، و مللی که توسط یوشع از کنعان رانده شدند، ارائه می‌دهد.

حبقوق در بخش اول دعایش از جلال خدا که آسمانها و زمین را پوشانیده است، سخن می‌گوید. مراد از تیمان، جبل فاران، کوشان و مدیان، دشمنان اسرائیل می‌باشند. به عنوان نمونه تیمان یک شهر بزرگ در ادوم بود، و کوشان احتمالاً همان «کوش» یا «اتیوپی» می‌باشد.

۳:۸-۱۱ در این آیات روی قدرت خدا تأکید شده است، مخصوصاً غضب او به نهرها و بر دریاها و کوهها آیه‌یازدهم اشاره‌ای به واقعه‌ای مشهور در جبعون است که خدا در آن واقعه معجزه عظیمی در آسمان ظاهر ساخت تا یوشع را در نبرد پیروز بگرداند (یوشع ۱۰:۱۲)

۳:۱۲-۱۵ در اینجا خدا را می‌بینیم که به جهان می‌خرامد و دشمنان را پایمال می‌نماید.

اشاره آیه ۱۵ به عبور از دریای سرخ است (ر.ک خروج فصل ۱۴) - وقتی که آبهای بسیار، در مقابل مردم خدا شکافته شد و بر زمین خشک گام نهادند. حقوق خدا را در رویای خود می‌بیند که با اسبان خود بر انبوه آب‌ها می‌خرامد.

ج. انتظار برای مجازات دشمنان (۳:۱۶)

وقی که نبی داوری خدا را از طریق مهاجمان بابل می‌شنود، به خود می‌لرزد و تصمیم می‌گیرد که با آرامی در انتظار آن واقعه منتظر بماند.

د. مهم نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد. حقوق به خداوند و قدرت او متوکل است (۳:۱۷-۱۹)

از این لحظه به بعد هر مصیبتی ناشی از هجوم بابلیان برای حقوق و مردمش قابل تحمل می‌شود - شکوفه نیاوردن انجیر ... خالی بودن تاکستان‌ها از مو، خراب شدن محصول زیتون، خالی ماندن انبارها از آذوقه، نبودن احشام در آغل‌ها دیگر مهم نیستند، آنچه که مهم است اینست که او در خداوند شادمان است و در خدای نجات خویش وجد، می‌کند. باکستر (Baxter) در مورد این آیات می‌نویسد:

مفهوم این آیات اینست که: «ز شادی در خداوند جست و خیز خواهم کرد، در لذت خداوند گرد خود خواهم چرخید.» اینست شوق و شادی ایمان - شادی در بهترین و بدترین شرایط! چه پیروزی بزرگی! باشد که این پیروزی از آن ما باشد!